



Iranian Scientific Association
of Public Administration



University of
Sistan and Baluchestan

The Impact of Economic Governance on Sustainable Progress: The Role of Environmental Policies and Natural Resource Management

Mohammadtaghi Kabiri¹ | Keramatollah Heydari Rostami² |
HamidReza Talaie³

¹ Department of Accounting, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Arak University, Arak, Iran. Email: m-kabiri@araku.ac.ir.

² Department of Accounting, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Arak University, Arak, Iran. Email: k-heydarirostami@araku.ac.ir.

³ Department of Management, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Arak University, Arak, Iran. Email: h-talaie@araku.ac.ir.

Abstract:

Sustainable development, as a global strategic objective, requires harmonization between economic growth, protection of environment, and social justice. In Iran, challenges such as a heavy reliance on natural resources, institutional weaknesses, and environmental issues complicate the achievement of this goal. This study investigates the impact of economic governance on sustainable progress in Iran, focusing on the mediating role of environmental policies and natural resource management. Data were collected through a structured questionnaire from 241 experts in economics, environmental studies, and natural resources. Analyses were conducted using Structural Equation Modeling (SEM) and Method of Moments Quantile Regression (MMQR). The results revealed that economic governance has a significant positive effect on sustainable progress. Environmental policies and natural resource management, acting as mediators, strengthen this relationship. Quantile regression analysis indicated that these effects are more pronounced in regions with higher levels of development. These findings emphasize the importance of integrating environmental policies and natural resource management within the framework of economic governance to achieve sustainable progress in Iran.

Keywords: Economic Governance, Sustainable Progress, Environmental Policies, Natural Resource Management.

Article type: Research

Cite this article: M. T. Kabiri, K. Heydari Rostami, H. R. Talaie (2026). The Impact of Economic Governance on Sustainable Progress: The Role of Environmental Policies and Natural Resource Management. *Governance and Development Journal*, 6(1), 85-109.

DOI: 10.22111/jipaa.2026.53623.1123.

Received: 29.08.2025

Revised: 30.12.2025

Accepted: 14.03.2026

Published: 05.04.2026



© The Author(s)

Publisher: University of Sistan and Baluchestan



دانشگاه تبریز، تبریز

حکمرانی و توسعه

شماره ۱، ۱۳۹۶-۲۷۸۳

Homepage: www.jipaa.ir



فصلنامه علمی
مدیریت و توسعه

تأثیر حکمرانی اقتصادی بر پیشرفت پایدار: نقش سیاست‌های زیست‌محیطی و مدیریت منابع طبیعی

محمدتقی کبیری^۱ | کرامت الله حیدری رستمی^۲ | حمیدرضا طلائی^۳ | ✉

^۱ استادیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران. رایانامه: m-kabiri@araku.ac.ir

^۲ استادیار گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران. رایانامه: k-heydarirostami@araku.ac.ir

^۳ استادیار گروه مدیریت، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران. رایانامه: h-talaie@araku.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۱۶

کلیدواژه‌ها:

حکمرانی اقتصادی، پیشرفت پایدار،

سیاست‌های زیست‌محیطی،

مدیریت منابع طبیعی.

چکیده

چکیده

توسعه پایدار، به‌عنوان یک هدف استراتژیک جهانی، نیازمند هماهنگی بین رشد اقتصادی، حفاظت از محیط‌زیست، و عدالت اجتماعی است. در ایران، چالش‌هایی مانند وابستگی شدید به منابع طبیعی، ضعف‌های نهادی، و مسائل زیست‌محیطی، دستیابی به این هدف را پیچیده کرده است. این مطالعه به بررسی تأثیر حکمرانی اقتصادی بر پیشرفت پایدار ایران با تمرکز بر نقش میانجی‌گری سیاست‌های زیست‌محیطی و مدیریت منابع طبیعی می‌پردازد. داده‌ها از طریق پرسشنامه‌ای ساختاریافته از ۲۴۱ کارشناس در حوزه‌های اقتصاد، محیط‌زیست، و منابع طبیعی جمع‌آوری شد. تحلیل‌ها با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) و رگرسیون کوانتایل لحظه‌ای (MMQR) انجام گرفت. نتایج نشان داد که حکمرانی اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر پیشرفت پایدار دارد. سیاست‌های زیست‌محیطی و مدیریت منابع طبیعی نیز به‌عنوان میانجی، این رابطه را تقویت می‌کنند. تحلیل رگرسیون کوانتایل حاکی از آن بود که تأثیرات این متغیرها در مناطق با سطوح توسعه بالاتر، قوی‌تر است. این یافته‌ها بر اهمیت یکپارچگی سیاست‌های زیست‌محیطی و مدیریت منابع طبیعی در چارچوب حکمرانی اقتصادی برای تحقق پیشرفت پایدار در ایران تأکید دارند.

مقدمه

توسعه پایدار، به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی قرن بیست‌ویکم، نیازمند ایجاد توازن میان رشد اقتصادی، حفاظت از محیط‌زیست، و ارتقای عدالت اجتماعی است. در ایران، کشوری با منابع طبیعی

استناد: کبیری، محمدتقی؛ حیدری رستمی، کرامت‌الله؛ طلائی، حمیدرضا (۱۴۰۵) "تأثیر حکمرانی اقتصادی بر پیشرفت پایدار: نقش سیاست‌های زیست



DOI: 10.22111/jipaa.2026.53623.1123

محیطی و مدیریت منابع طبیعی " حکمرانی و توسعه، (۱) ۶-۱۰۹-۸۵

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

غنی مانند نفت و گاز، دستیابی به توسعه پایدار با موانعی نظیر وابستگی اقتصادی به منابع، ناکارآمدی‌های نهادی، و چالش‌های زیست‌محیطی مواجه است. حکمرانی اقتصادی، به‌عنوان یکی از ستون‌های اصلی توسعه، نقش کلیدی در مدیریت بهینه منابع، اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی، و هدایت اقتصاد به سمت پایداری ایفا می‌کند. این پژوهش با تمرکز بر ایران، به بررسی تأثیر حکمرانی اقتصادی بر پیشرفت پایدار و نقش میانجی‌گری سیاست‌های زیست‌محیطی و مدیریت منابع طبیعی می‌پردازد.

در مطالعات اخیر نشان داده شده است که کیفیت حکمرانی می‌تواند تأثیرات منابع طبیعی و سیاست‌های زیست‌محیطی را بر توسعه پایدار تعدیل کند. به‌عنوان مثال، النفران و بوگاتوف (۲۰۲۵) نشان دادند که شوره‌های مالی با کاهش نوسانات بدهی و تورم، رشد اقتصادی بلندمدت را تقویت می‌کنند، که برای ایران با توجه به مشکلات مالی مزمن، حائز اهمیت است. همچنین، وو و همکاران (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای در کشورهای غنی از منابع، نشان دادند که حکمرانی دیجیتال و سیاست‌های زیست‌محیطی سخت‌گیرانه می‌توانند رشد اقتصادی را تقویت کنند، اما ضعف در مدیریت منابع ممکن است به نفرین منابع منجر شود.

منابع طبیعی، اگرچه می‌توانند محرک قدرتمندی برای رشد اقتصادی باشند، اما در صورت سوءمدیریت، به چالش‌های جدی مانند پدیده معروف به نفرین منابع منجر می‌شوند که رشد بلندمدت را مختل کرده و وابستگی اقتصادی را تشدید می‌کند. فاروق و همکاران (۲۰۲۵) در مطالعه‌ای جامع بر کشورهای آسیایی نشان دادند که کیفیت حکمرانی می‌تواند اثر منفی منابع طبیعی را به فرصت‌های مثبت توسعه‌ای تبدیل کند؛ به عبارت دیگر، حکمرانی قوی با بهبود کارایی تخصیص منابع و کاهش فساد، این نفرین را به برکت تبدیل می‌نماید. این موضوع برای ایران، با وابستگی شدید به درآمدهای نفتی که بیش از بخش قابل توجهی از بودجه و صادرات را تشکیل می‌دهد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا ضعف در مدیریت این منابع می‌تواند چرخه‌ای از نوسانات اقتصادی و عدم تنوع‌بخشی ایجاد کند. از سوی دیگر، سیاست‌های زیست‌محیطی نقش کلیدی در کاهش اثرات منفی فعالیت‌های اقتصادی بر محیط‌زیست ایفا می‌کنند و می‌توانند مسیر توسعه را به سمت پایداری هدایت نمایند. لی و همکاران (۲۰۲۵) در بررسی کشورهای عضو شورای قطب شمال (مانند سوئد، ایالات متحده، فنلاند، نروژ، کانادا، روسیه و دانمارک) نشان دادند که سیاست‌های زیست‌محیطی قوی و حکمرانی زیست‌محیطی مؤثر، انتقال به انرژی‌های تجدیدپذیر را به طور قابل توجهی تسریع می‌کنند و اثرات عدم قطعیت‌های سیاستی را کاهش می‌دهند. این یافته برای ایران، که با چالش‌های شدید زیست‌محیطی مانند آلودگی گسترده هوا در کلان‌شهرها، کمبود حاد آب به دلیل مدیریت ناپایدار منابع،

فرسایش خاک و تغییرات اقلیمی مواجهه است، کاملاً قابل تأمل و درس‌آموز است و بر ضرورت تقویت سیاست‌های زیست‌محیطی سخت‌گیرانه و یکپارچه با حکمرانی اقتصادی تأکید دارد.

حکمرانی اقتصادی از طریق مؤلفه‌هایی مانند شفافیت، پاسخگویی، و حاکمیت قانون، بهره‌وری و سرمایه‌گذاری را تقویت می‌کند. اتیوم و موتومبا (۲۰۲۵) در شرق آفریقا نشان دادند که حکمرانی اقتصادی با افزایش بهره‌وری کل عوامل (TFP)، رشد اقتصادی را تسریع می‌کند. در ایران، چالش‌هایی نظیر فساد و ناکارآمدی بروکراتیک مانع از تحقق پتانسیل‌های اقتصادی شده‌اند. کاوالریو و همکاران (۲۰۲۵) نیز در مطالعه‌ای جهانی نشان دادند که حکمرانی عمومی با بهبود شاخص‌های توسعه انسانی (HDI) و عملکرد زیست‌محیطی (EPI)، توسعه پایدار را ترویج می‌کند.

نوآوری و آزادی اقتصادی نیز از جنبه‌های مهم حکمرانی هستند. ژو^۴ و همکاران (۲۰۲۴) نشان دادند که حکمرانی خوب از طریق ایجاد محیطی با آزادی اقتصادی بالا، نوآوری را تقویت می‌کند، که برای ایران در مسیر توسعه اقتصاد دانش‌بنیان حیاتی است. همچنین، وو و حسینی (۲۰۲۵) در کشورهای OECD نشان دادند که حکمرانی زیست‌محیطی، انتقال به انرژی‌های پاک را تسهیل می‌کند، اما ریسک‌های ژئوپلیتیکی می‌توانند این فرآیند را مختل کنند. این موضوع برای ایران، با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی پیچیده، اهمیت دارد.

مشارکت اجتماعی و همکاری‌های بین‌نهادی نیز در موفقیت سیاست‌های حکمرانی نقش دارند. رویز و همکاران (۲۰۲۵) در برزیل نشان دادند که همکاری بین نهادها و مشارکت جامعه، بازسازی اقتصادی پس از فجایع معدنی را تسریع کرد. این موضوع برای ایران، که با مسائل زیست‌محیطی مانند آلودگی هوا و کمبود آب مواجه است، درس‌آموز است. همچنین، چن و همکاران (۲۰۲۵) در چین نشان دادند که بهبود حکمرانی ورزشی، سلامت گروه‌های کم‌درآمد را ارتقا می‌دهد، که نشان‌دهنده اهمیت سیاست‌های فراگیر در توسعه پایدار است.

نوآوری این پژوهش در تلفیق حکمرانی اقتصادی، خط‌مشی‌های زیست‌محیطی، و مدیریت منابع طبیعی در چارچوب یک مدل جامع برای تحلیل پیشرفت پایدار در ایران نهفته است. برخلاف مطالعات پیشین که اغلب تنها بر یک جنبه تمرکز داشتند، برای مثال، النفرح و بوگاتوف (۲۰۲۵) عمدتاً بر نقش شوراها مالی در حکمرانی اقتصادی، فاروق و همکاران (۲۰۲۵) بر تأثیر منابع طبیعی و نفرین منابع، لی و همکاران (۲۰۲۵) بر خط‌مشی‌های زیست‌محیطی و انتقال به انرژی‌های تجدیدپذیر، یا ژو و

¹ Total Factor Productivity

² Human Development

³ Environmental Performance Index

⁴ Zhu

⁵ Organisation for Economic Co-operation and Development

همکاران (۲۰۲۴) بر رابطه حکمرانی خوب و نوآوری از طریق آزادی اقتصادی، مطالعه حاضر با بررسی همزمان نقش میانجی‌گری خط‌مشی‌های زیست‌محیطی و مدیریت منابع طبیعی، به تحلیل عمیق‌تر و چندبعدی تعاملات میان این متغیرها در زمینه خاص ایران می‌پردازد. این رویکرد نوآورانه نه تنها به درک بهتر چالش‌های منحصربه‌فرد ایران، مانند وابستگی شدید به درآمدهای نفتی، مسائل زیست‌محیطی مزمن نظیر آلودگی هوا و کمبود آب، و نابرابری‌های منطقه‌ای کمک می‌کند، بلکه با ارائه مدل یکپارچه، راهکارهای عملی و هماهنگ برای خط‌مشی‌گذاری یکپارچه پیشنهاد می‌دهد. در ادامه، این پژوهش چارچوب نظری، فرضیات، روش‌شناسی، تحلیل داده‌ها، و پیشنهادات سیاستی را به تفصیل ارائه خواهد داد تا شواهد جامعی برای سیاست‌گذاری مؤثر در ایران فراهم آورد.

مبانی نظری

حکمرانی اقتصادی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار، به مجموعه نهادها، سیاست‌ها، قوانین و فرآیندهایی اطلاق می‌شود که نحوه مدیریت منابع اقتصادی، تخصیص آنها، نظارت بر عملکرد اقتصادی و توزیع منافع و هزینه‌های ناشی از فعالیت‌های اقتصادی را تعیین و هدایت می‌کنند. این مفهوم فراتر از صرف عملکرد دولت، شامل تعاملات پیچیده میان نهادهای دولتی، بخش خصوصی، جامعه مدنی و بازار است و چارچوبی برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی فراهم می‌آورد که می‌تواند به پایداری یا ناپایداری منجر شود. در چارچوب حکمرانی اقتصادی خوب، ویژگی‌هایی نظیر شفافیت در فرآیندها، پاسخگویی نهادها، حاکمیت قانون، کیفیت بالای تنظیم‌گری و کنترل مؤثر فساد برجسته می‌شوند که همگی نقش کلیدی در تقویت پیشرفت پایدار ایفا می‌کنند (کاوالریو و همکاران، ۲۰۲۵). در ایران، با توجه به وابستگی بالای اقتصاد به منابع طبیعی مانند نفت و گاز که بخش عمده درآمدهای دولتی و صادرات را تشکیل می‌دهند، حکمرانی اقتصادی نه تنها مسئولیت مدیریت روزمره منابع را بر عهده دارد، بلکه تعیین‌کننده این است که آیا این منابع به موتور محرک توسعه تبدیل می‌شوند یا به عامل تشدید نوسانات اقتصادی و نابرابری‌ها. در واقع، کیفیت حکمرانی اقتصادی می‌تواند پدیده شناخته‌شده نفرین منابع را مهار کرده و آن را به فرصتی برای سرمایه‌گذاری پایدار و تنوع‌بخشی اقتصادی تبدیل نماید. این پژوهش با تمرکز بر زمینه خاص ایران، به بررسی تأثیر حکمرانی اقتصادی بر پیشرفت پایدار پرداخته و نقش میانجی‌گری خط‌مشی‌های زیست‌محیطی و مدیریت منابع طبیعی را در این رابطه تحلیل می‌کند تا راهکارهای عملی برای ارتقای کیفیت حکمرانی ارائه دهد.

حکمرانی اقتصادی از طریق ایجاد محیطی شفاف و قابل‌اعتماد، سرمایه‌گذاری، بهره‌وری، و رشد اقتصادی را تقویت می‌کند. انفراج و بوگاتوف (۲۰۲۵) در مطالعه‌ای نشان دادند که شوراهای مالی با کاهش نوسانات بدهی و تورم، رشد اقتصادی بلندمدت را حمایت می‌کنند. این موضوع برای ایران، که

با مشکلات مالی مزمن و تورم بالا مواجه است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به‌طور مشابه، اتیوم و مومبیا (۲۰۲۵) در بررسی کشورهای شرق آفریقا نشان دادند که حکمرانی اقتصادی با افزایش بهره‌وری کل عوامل (TFP)، رشد اقتصادی را تسریع می‌کند. در ایران، چالش‌هایی مانند فساد، ناکارآمدی بوروکراتیک، و ضعف در اجرای قوانین، مانع از تحقق پتانسیل‌های اقتصادی شده‌اند. اونافوروا و اوووی (۲۰۲۴) نیز نشان دادند که کیفیت حکمرانی، تأثیر باز بودن تجارت بر رشد اقتصادی را تقویت می‌کند، که برای ایران با توجه به تلاش برای گسترش تجارت بین‌المللی و کاهش وابستگی به نفت، حائز اهمیت است.

سیاست‌های زیست‌محیطی، به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند کاهش انتشار کربن، مدیریت منابع آب، و انتقال به انرژی‌های تجدیدپذیر، نقش محوری در دستیابی به پیشرفت پایدار دارند. لی و همکاران (۲۰۲۵) در مطالعه‌ای در کشورهای شورای قطب شمال نشان دادند که سیاست‌های زیست‌محیطی قوی، انتقال به انرژی‌های تجدیدپذیر را تسریع می‌کنند و اثرات منفی تغییرات اقلیمی را کاهش می‌دهند. این موضوع برای ایران، که با چالش‌های زیست‌محیطی مانند آلودگی هوا، کمبود آب، و فرسایش خاک مواجه است، از اهمیت بسزایی برخوردار است. دینگ و همکاران (۲۰۲۵) در مطالعه‌ای در چین نشان دادند که برنامه‌ریزی اقتصادی متمرکز، اگرچه در کوتاه‌مدت می‌تواند مصرف منابع را کاهش دهد، اما در بلندمدت به دلیل فشارهای اقتصادی ممکن است منجر به افزایش انتشار کربن شود. این یافته برای ایران، که دارای برنامه‌های توسعه پنج‌ساله است، درس‌آموز است و نشان‌دهنده ضرورت تقویت سیاست‌های زیست‌محیطی در چارچوب برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی است.

منابع طبیعی، اگرچه پتانسیل بالایی برای تحریک رشد اقتصادی دارند، در صورت سوءمدیریت می‌توانند به نفرین منابع منجر شوند. فاروق و همکاران (۲۰۲۵) در مطالعه‌ای در کشورهای آسیایی نشان دادند که کیفیت حکمرانی می‌تواند اثرات منفی منابع طبیعی را به فرصت‌های مثبت تبدیل کند. در ایران، وابستگی شدید به درآمدهای نفتی و ضعف در مدیریت منابع، توسعه پایدار را با چالش مواجه کرده است. وو و همکاران (۲۰۲۴) در بررسی کشورهای غنی از منابع نشان دادند که حکمرانی دیجیتال، همراه با سیاست‌های زیست‌محیطی سخت‌گیرانه، می‌تواند اثرات مثبت منابع طبیعی بر رشد اقتصادی را تقویت کند. این موضوع برای ایران، که در حال توسعه زیرساخت‌های دیجیتال و اصلاح سیاست‌های زیست‌محیطی است، فرصت‌های جدیدی را برای تنوع‌بخشی به اقتصاد و کاهش وابستگی به نفت فراهم می‌کند.

حکمرانی خوب از طریق ایجاد محیطی با آزادی اقتصادی بالا، نوآوری را تقویت می‌کند. ژو و همکاران (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای جهانی نشان دادند که حکمرانی خوب با افزایش آزادی اقتصادی، نوآوری را در کشورهای در حال توسعه تقویت می‌کند. این موضوع برای ایران، که در تلاش برای توسعه اقتصاد

دانش‌بنیان و کاهش وابستگی به منابع طبیعی است، اهمیت ویژه‌ای دارد. وو و حسینی (۲۰۲۵) نیز در مطالعه‌ای در کشورهای OECD نشان دادند که حکمرانی زیست‌محیطی، انتقال به انرژی‌های پاک را تسریع می‌کند، اما ریسک‌های ژئوپلیتیکی می‌توانند این فرآیند را مختل کنند. با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی پیچیده ایران، این یافته‌ها بر ضرورت تقویت حکمرانی زیست‌محیطی برای کاهش اثرات منفی تغییرات اقلیمی تأکید دارند.

مشارکت اجتماعی و همکاری‌های بین‌نهادی از دیگر عوامل کلیدی در موفقیت سیاست‌های حکمرانی هستند. رویز و همکاران (۲۰۲۵) در مطالعه‌ای در برزیل نشان دادند که همکاری بین نهادهای دولتی، خصوصی، و جامعه مدنی، بازسازی اقتصادی پس از فجایع معدنی را تسریع کرد. این موضوع برای ایران، که با چالش‌های زیست‌محیطی مانند آلودگی هوا و کمبود آب مواجه است، درس‌های مهمی ارائه می‌دهد. چن و همکاران (۲۰۲۵) در چین نشان دادند که بهبود حکمرانی ورزشی، سلامت گروه‌های کم‌درآمد را ارتقا داده و شکاف‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد. این یافته نشان‌دهنده اهمیت سیاست‌های فراگیر در دستیابی به توسعه پایدار است، به‌ویژه در ایران که با نابرابری‌های منطقه‌ای و اجتماعی مواجه است.

حکمرانی دیجیتال نیز به‌عنوان یک بعد نوظهور، نقش مهمی در توسعه پایدار ایفا می‌کند. وو و همکاران (۲۰۲۴) نشان دادند که حکمرانی دیجیتال در کشورهای غنی از منابع، با بهبود شفافیت و کارایی، رشد اقتصادی را تقویت می‌کند. این موضوع برای ایران، که در حال توسعه زیرساخت‌های دیجیتال است، فرصت‌هایی برای بهبود مدیریت منابع و اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی فراهم می‌کند. همچنین، ویسبل‌کاداوید و همکاران (۲۰۲۵) با استفاده از تحلیل عاملی چندگانه، نشان دادند که کیفیت حکمرانی و زیرساخت‌های لجستیکی، توسعه اجتماعی-اقتصادی را تقویت می‌کنند، که برای ایران با توجه به نابرابری‌های منطقه‌ای و نیاز به بهبود زیرساخت‌ها، قابل توجه است.

حکمرانی مالی نیز از جنبه‌های مهم حکمرانی اقتصادی است. النفرح و بوگاتوف (۲۰۲۵) نشان دادند که شوره‌های مالی با تقویت نظم مالی، نوسانات اقتصادی را کاهش داده و رشد بلندمدت را حمایت می‌کنند. این موضوع برای ایران، که با تورم مزمن و مشکلات مالی مواجه است، اهمیت بسزایی دارد. سونگ و همکاران (۲۰۲۴) نیز در مطالعه‌ای جهانی نشان دادند که حکمرانی منطقه‌ای با تقویت کنترل فساد و اثربخشی دولت، بهبود اقتصادی پس از همه‌گیری کووید-۱۹ را تسهیل کرد. این یافته‌ها برای ایران، که در تلاش برای بهبود شرایط اقتصادی پس از تحریم‌ها و همه‌گیری است، کاربرد دارد.

نابرابری‌های اجتماعی و منطقه‌ای نیز از چالش‌های کلیدی در مسیر توسعه پایدار هستند. میائو و لی (۲۰۲۵) در چین نشان دادند که ظرفیت حکمرانی دولتی می‌تواند از طریق کاهش موانع نهادی و بهبود زیرساخت‌ها، اثرات مثبت جابجایی جمعیت شهری-روستایی را بر توسعه هماهنگ منطقه‌ای تقویت

کند. این موضوع برای ایران، که با نابرابری‌های منطقه‌ای و مهاجرت‌های گسترده مواجه است، اهمیت دارد. همچنین، ادیجی و همکاران (۲۰۲۵) در آفریقای زیرصحرای نشان دادند که کیفیت حکمرانی، تأثیر جهانی‌سازی مالی بر رشد اقتصادی را تقویت می‌کند، که برای ایران در مسیر جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه اقتصادی، درس آموز است.

پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی نقش حکمرانی اقتصادی، سیاست‌های زیست‌محیطی، و مدیریت منابع طبیعی را در توسعه پایدار بررسی کرده‌اند. کاوالریو و همکاران (۲۰۲۵) نشان دادند که حکمرانی عمومی با بهبود شاخص‌های توسعه انسانی (HDI) و عملکرد زیست‌محیطی (EPI)، پیشرفت پایدار را تقویت می‌کند، که برای ایران با چالش‌های نهادی و زیست‌محیطی درس آموز است. اتیوم و موتوما (۲۰۲۵) در شرق آفریقا نشان دادند که حکمرانی اقتصادی با افزایش بهره‌وری کل عوامل (TFP)، رشد اقتصادی را تسریع می‌کند، که برای ایران با هدف کاهش وابستگی به نفت اهمیت دارد.

سیاست‌های زیست‌محیطی نیز در توسعه پایدار نقش کلیدی دارند. لی و همکاران (۲۰۲۵) بیان کردند که سیاست‌های زیست‌محیطی قوی، انتقال به انرژی‌های تجدیدپذیر را تسهیل می‌کنند، که برای ایران با مشکلات آلودگی هوا و کمبود آب حیاتی است. وو و حسینی (۲۰۲۵) در کشورهای OECD نشان دادند که حکمرانی زیست‌محیطی، انتقال به انرژی‌های پاک را تسریع می‌کند، اما ریسک‌های ژئوپلیتیکی می‌توانند این فرآیند را مختل کنند. دینگ و همکاران (۲۰۲۵) نیز نشان دادند که برنامه‌ریزی اقتصادی متمرکز بدون سیاست‌های زیست‌محیطی قوی، ممکن است مصرف منابع را افزایش دهد.

مدیریت منابع طبیعی نیز در توسعه پایدار مؤثر است. فاروق و همکاران (۲۰۲۵) اظهار داشتند که کیفیت حکمرانی، اثر منفی منابع طبیعی (نفرین منابع) را به فرصت تبدیل می‌کند. وو و همکاران (۲۰۲۴) نیز نشان دادند که حکمرانی دیجیتال و سیاست‌های زیست‌محیطی، رشد اقتصادی را در کشورهای غنی از منابع تقویت می‌کنند. رویز و همکاران (۲۰۲۵) در برزیل تأکید کردند که همکاری‌های نهادی و مشارکت جامعه، بازسازی اقتصادی پس از فجایع معدنی را تسریع می‌کند.

حکمرانی اقتصادی و زیرساخت‌ها نیز مورد توجه بوده‌اند. ویسبل کاداوید و همکاران (۲۰۲۵) نشان دادند که کیفیت حکمرانی و زیرساخت‌های لجستیکی، توسعه اجتماعی-اقتصادی را تقویت می‌کنند. میائو و لی (۲۰۲۵) اعلام کردند که ظرفیت حکمرانی، اثرات جابجایی جمعیت را بر توسعه هماهنگ منطقه‌ای بهبود می‌بخشد، که برای ایران با نابرابری‌های منطقه‌ای اهمیت دارد.

مشارکت اجتماعی و نوآوری نیز از عوامل کلیدی هستند. چن و همکاران (۲۰۲۵) اظهار کردند که بهبود حکمرانی ورزشی، سلامت گروه‌های کم‌درآمد را ارتقا می‌دهد. ژو و همکاران (۲۰۲۴) نیز نشان

دادند که حکمرانی خوب، نوآوری را از طریق آزادی اقتصادی تقویت می‌کند، که برای اقتصاد دانش‌بنیان ایران حیاتی است.

ادیجی و همکاران (۲۰۲۵) عنوان کردند که کیفیت حکمرانی، تأثیر جهانی‌سازی مالی بر رشد اقتصادی را تقویت می‌کند. النفرح و بوگاتوف (۲۰۲۵) نیز تأکید کردند که شوراها مالی با کاهش نوسانات اقتصادی، رشد بلندمدت را حمایت می‌کنند. سونگ و همکاران (۲۰۲۴) نشان دادند که حکمرانی منطقه‌ای در آفریقا، نقش میانجی در بهبود اقتصادی پس از همه‌گیری دارد. اوناووورا و اوووی (۲۰۲۴) نیز بیان کردند که کیفیت حکمرانی، تأثیر باز بودن تجارت بر رشد اقتصادی را تقویت می‌کند. موبیینزی و موتومبا (۲۰۲۵) خاطر نشان کردند که برابری جنسیتی در آموزش و حکمرانی، اثرات متفاوتی بر رشد اقتصادی دارد.

یوسفی و همکاران (۱۴۰۴) بیان داشتند که در دهه‌های اخیر برندسازی شهری به عنوان راهبردی نوین در مدیریت و توسعه شهرها مورد توجه نظریه پردازان و سیاست گذاران قرار گرفته است. همزمان رشد اقتصاد خلاق به عنوان موتور محرک نوآوری و مزیت رقابتی شهرها، ضرورت بازنگری در الگوهای حکمرانی شهری را برجسته ساخته است. در این راستا، حکمرانی مشارکتی به مثابه الگویی مردم محور و چندسطحی، زمینه ساز پیوند موثر میان هویت، شهری تولید خلاق و تصمیم سازی جمعی تلقی می شود. از سوی دیگر، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با تأکید بر جوان گرایی، عدالت محوری، پیشرفت علمی و مشارکت مردمی، افقی راهبردی برای تحول در نظام شهری ایران ترسیم می‌کند. این مقاله با هدف بررسی پیوند میان برندسازی شهری و اقتصاد خلاق در چارچوب حکمرانی مشارکتی، تلاش دارد نشان دهد که تحقق اهداف گام دوم انقلاب در عرصه شهری مستلزم تلفیق ظرفیت های خلاقانه شهروندان با سازوکارهای مشارکتی و رویکردی هویت محور به برندینگ شهری است. روش پژوهش به صورت توصیفی تحلیلی و با اتکاء بر منابع کتابخانه ای و اسناد بالادستی تنظیم شده است. یافته های مقاله بیانگر آن است که در بستر حکمرانی مشارکتی، برندسازی شهری می تواند به بستری برای شکوفایی اقتصاد خلاق تبدیل شود؛ به شرط آنکه فرآیندهای تصمیم سازی شهری با رویکردی فراگیر، شفاف و هویت محور سامان یابد. در نهایت، مقاله راهبردهایی در جهت تقویت هم افزایی میان سه مفهوم اصلی پژوهش ارائه می‌کند.

ملکی و همکاران (۱۴۰۴) بیان داشتند که هدف این پژوهش، ارائه چارچوبی راهبردی برای بهبود حکمرانی اقتصادی در صنایع دریایی است. روش: این مطالعه به روش کیفی و با رویکرد موردی، با مشارکت خبرگان و متخصصان حوزه مدیریت دریایی انجام شده است. نمونه گیری به شیوه هدفمند و با استفاده از تکنیک اشباع نظری صورت گرفت و ۱۶ نفر از آگاهی دهندگان کلیدی مورد مصاحبه قرار گرفتند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته و مطالعه اسناد گردآوری شد. اعتبار پژوهش بر

اساس چهار معیار لینکلن و گوبا مورد ارزیابی قرار گرفت و مدل نهایی با استفاده از الگوی نظام مند استراوس و کوربین طراحی شد. بر اساس یافته‌ها، سه عامل کلیدی شامل شفافیت و پاسخگویی در نظام حکمرانی، مشارکت و همکاری ذی‌نفعان، و قابلیت‌های نهادی و مدیریتی، به عنوان شرایط علی موثر در بهبود حکمرانی اقتصادی شناسایی شدند. همچنین، زیرساخت‌های قانونی، فناوری اطلاعات و عوامل اقتصادی به عنوان شرایط زمینه‌ای، و عوامل فرهنگی و سیاسی به عنوان شرایط مداخله‌گر در فرآیند حکمرانی اقتصادی شناسایی گردیدند. مقوله محوری پژوهش، بهبود حکمرانی اقتصادی در صنایع دریایی است که از طریق سه رویکرد شامل تقویت ساختارهای قانونی، ارتقای مشارکت ذی‌نفعان و بهبود مدیریت ریسک دنبال می‌شود. پیامدها نیز در چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، محیط زیستی و نهادی قابل مشاهده است.

سلیمانی و همکاران (۱۴۰۳) بیان داشتند که در مواجهه با پیچیدگی‌ها و پویایی‌های غیرخطی بازارهای مالی، رویکردهای ایستا و خطی در سیاست‌گذاری و تحلیل غالباً ناکارآمدند. این پژوهش، چارچوبی جامع مبتنی بر پویایی‌شناسی سیستم‌ها و هوش مصنوعی را برای بهبود تصمیم‌گیری‌های مالی ارائه می‌دهد. ابتدا، متغیرهای کلیدی، روابط بازخوردی و ساختارهای دینامیک بازار شناسایی و مدل‌سازی شد. سپس، با بهره‌گیری از الگوریتم‌های فراابتکاری و یادگیری ماشینی، پارامترهای حساس مدل واسنجی و بهینه‌سازی گردید. نتایج نشان دادند که ادغام پویایی‌شناسی سیستم‌ها با هوش مصنوعی نه تنها صحت و دقت پیش‌بینی‌ها را ارتقا می‌بخشد، بلکه ریسک سیستمی را کاهش داده، بهره‌وری تخصیص منابع را افزایش می‌دهد و تاب‌آوری ساختارهای مالی در برابر شوک‌ها و عدم قطعیت‌های محیطی را بهبود می‌بخشد. بدین ترتیب، چارچوب پیشنهادی ابزاری توانمند برای سیاست‌گذاران فراهم می‌آورد تا با بهره‌گیری از الگوهای هوشمند و انعطاف‌پذیر، سیاست‌های کارآمدتر و پایدارتر را در نظام‌های مالی پیاده‌سازی کنند.

فهیمی و همکاران (۱۳۹۷) بیان داشتند که در سالیان اخیر حکمرانی خوب به موضوعی داغ در مدیریت دولتی تبدیل شده است و این به واسطه نقشی است که حکمرانی در تعیین سلامت اجتماع ایفا می‌کند. از طرف دیگر فرآیند رشد و توسعه اقتصادی کشورها در دهه‌های اخیر طوری است که چالش زیست محیطی به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های سیاست‌مداران تبدیل شده است. پس با توجه به منابع زیست محیطی حکمرانی خوب یعنی شیوه‌ای که در آن مدیریت تصمیم می‌گیرد به تدریج به توسعه پایدار تبدیل شود. حکمرانی خوب عامل مهم و تأثیرگذار در حرکت به سوی محیط زیست سالم برای انسان‌ها و ایجاد اکوسیستمی زنده و پویا است بهبود شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی خوب با میزان کیفیت عملکرد دولت‌ها و ملت‌ها جهت حفظ محیط‌زیست و سلامت اکوسیستم ارتباط مثبت دارد. پس در این مقاله تأثیر حکمرانی خوب بر عملکرد زیست محیطی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

این مطالعات نشان‌دهنده اهمیت یکپارچگی حکمرانی اقتصادی، سیاست‌های زیست‌محیطی، و مدیریت منابع طبیعی در پیشرفت پایدار هستند. با این حال، این پژوهش با تمرکز بر ایران و نقش میانجی‌گری این متغیرها، رویکردی بومی ارائه می‌دهد.

فرضیات پژوهش

در چارچوب نظری نظریه نهادی و بر اساس شاخص‌های جهانی حکمرانی بانک جهانی، که حکمرانی را از طریق ابعاد کلیدی مانند شفافیت، پاسخگویی، حاکمیت قانون و کنترل فساد ارزیابی می‌کند، حکمرانی اقتصادی بستری پایدار برای دستیابی به رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط‌زیست فراهم می‌آورد. مطالعات نشان می‌دهند که کیفیت حکمرانی و زیرساخت‌های لجستیکی توسعه اجتماعی-اقتصادی را تقویت می‌کنند، که این امر برای ایران با چالش‌های نهادی مانند فساد و ناکارآمدی بوروکراتیک از اهمیت حیاتی برخوردار است (ویسبل کاداوید و همکاران، ۲۰۲۵). چن و همکاران (۲۰۲۵) نیز بر نقش حکمرانی در کاهش شکاف‌های اجتماعی تأکید کرده و نشان دادند که خط‌مشی‌های فراگیر می‌توانند سلامت و برابری گروه‌های کم‌درآمد را ارتقا دهند؛ این موضوع در ایران، با توجه به نابرابری‌های گسترده منطقه‌ای و اجتماعی، از اولویت بالایی برخوردار است. اتیوم و موتومبا (۲۰۲۵) در بررسی کشورهای شرق آفریقا دریافتند که حکمرانی اقتصادی با افزایش بهره‌وری کل عوامل، رشد اقتصادی را تسریع می‌کند، که این یافته برای ایران با هدف کاهش وابستگی به نفت و حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان، کاملاً درس‌آموز است. النفرح و بوگاتوف (۲۰۲۵) نیز تأکید کردند که شوراها مالی با کاهش نوسانات بدهی و تورم، رشد بلندمدت را حمایت می‌کنند، که با مشکلات مالی مزمن ایران همخوانی دارد. سونگ و همکاران (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای جهانی نشان دادند که حکمرانی منطقه‌ای با تقویت کنترل فساد، بهبود اقتصادی را شتاب می‌بخشد. در ایران، ضعف‌های نهادی مانند فساد و عدم شفافیت، مانع اصلی تحقق پتانسیل‌های اقتصادی شده‌اند.

بنابراین، در چارچوب نظریه نهادی، که نهادها را به عنوان "قواعد بازی" در جامعه می‌داند و تأکید دارد کیفیت نهادها تعیین‌کننده عملکرد اقتصادی و پایداری توسعه است، این فرضیه مطرح می‌شود که بهبود مؤلفه‌های حکمرانی اقتصادی، مانند شفافیت و پاسخگویی، می‌تواند شاخص‌های توسعه پایدار را به طور معناداری ارتقا دهد، ثبات اقتصادی ایجاد کند، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را جذب نماید و به کاهش نابرابری‌های اجتماعی و تقویت حفاظت از محیط‌زیست کمک کند.

فرضیه ۱: حکمرانی اقتصادی تأثیر مثبت و معناداری بر پیشرفت پایدار ایران دارد.

در چارچوب نظری نظریه حکمرانی چندسطحی^۱ و با تکیه بر مفهوم حکمرانی زیست‌محیطی^۲ که خط‌مشی‌های زیست‌محیطی را به عنوان یکی از ابعاد کلیدی و هدایتی حکمرانی اقتصادی در نظر می‌گیرد، این خط‌مشی‌ها، شامل مدیریت پایدار منابع آب، کاهش انتشار کربن و انتقال به انرژی‌های تجدیدپذیر، می‌توانند به عنوان مکانیسم‌های تقویت‌کننده، اثربخشی حکمرانی اقتصادی را در دستیابی به پیشرفت پایدار افزایش دهند. وو و حسینی (۲۰۲۵) در کشورهای عضو OECD نشان دادند که حکمرانی زیست‌محیطی قوی، انتقال به انرژی‌های پاک را تسریع می‌کند و این فرآیند را از طریق هماهنگی نهادی و کاهش ریسک‌های ژئوپلیتیکی تسهیل می‌نماید؛ این یافته برای ایران، که با چالش‌های حاد آلودگی هوا در کلان‌شهرها و کمبود شدید منابع آب مواجه است، از اهمیت حیاتی برخوردار است. دینگ و همکاران (۲۰۲۵) در بررسی چین دریافتند که برنامه‌ریزی اقتصادی متمرکز، در غیاب خط‌مشی‌های زیست‌محیطی قوی، می‌تواند به افزایش مصرف منابع و انتشار کربن منجر شود؛ این نتیجه کاملاً با ساختار برنامه‌های توسعه پنج‌ساله ایران همخوانی دارد و هشدار می‌دهد که بدون تقویت بعد زیست‌محیطی حکمرانی، اهداف اقتصادی ممکن است به قیمت تخریب محیط‌زیست تمام شود. لی و همکاران (۲۰۲۵) نیز تأکید کردند که خط‌مشی‌های زیست‌محیطی قوی، با کاهش عدم قطعیت‌های سیاستی و ایجاد ثبات نهادی، انتقال به انرژی‌های تجدیدپذیر را تسهیل می‌کنند. در ایران، ضعف در طراحی و اجرای خط‌مشی‌های زیست‌محیطی، مانند مدیریت ناکارآمد منابع آب و کنترل ناکافی آلودگی هوا، مانع اصلی از تحقق ابعاد زیست‌محیطی پیشرفت پایدار شده است. کوالریو و همکاران (۲۰۲۵) نشان دادند که حکمرانی عمومی با بهبود شاخص عملکرد زیست‌محیطی، توسعه پایدار را ترویج می‌کند. وو و همکاران (۲۰۲۴) نیز در کشورهای غنی از منابع دریافتند که خط‌مشی‌های زیست‌محیطی سخت‌گیرانه، همراه با حکمرانی دیجیتال، رشد اقتصادی پایدار را تقویت می‌نمایند.

بنابراین، در چارچوب نظریه حکمرانی چندسطحی، که خط‌مشی‌های زیست‌محیطی را به عنوان بعد هدایتی و مقوم حکمرانی اقتصادی (در مقابل حکمرانی عملیاتی روزمره) می‌بیند، این فرضیه مطرح می‌شود که خط‌مشی‌های زیست‌محیطی قوی با تقویت شفافیت، هماهنگی نهادی و کارایی تخصیص منابع در چارچوب حکمرانی اقتصادی، اثرات مثبت آن را بر پیشرفت پایدار ایران افزایش می‌دهند. این میانجی‌گری به‌ویژه در کاهش اثرات منفی فعالیت‌های اقتصادی بر محیط‌زیست و ارتقای عدالت زیست‌محیطی اهمیت دارد.

¹ Multi-level Governance Theory

² Environmental Governance

فرضیه ۲: خطامشی‌های زیست‌محیطی به‌عنوان متغیر میانجی، رابطه مثبت بین حکمرانی اقتصادی و پیشرفت پایدار ایران را تقویت می‌کنند.

مدیریت مؤثر منابع طبیعی، به‌ویژه نفت و گاز، می‌تواند به‌عنوان کاتالیزوری برای پیشرفت پایدار عمل کند. فاروق و همکاران (۲۰۲۵) نشان دادند که کیفیت حکمرانی، اثر منفی منابع طبیعی (نفرین منابع) را به فرصت‌های توسعه‌ای تبدیل می‌کند، که برای ایران با وابستگی شدید به درآمدهای نفتی حیاتی است. رویز و همکاران (۲۰۲۵) در برزیل نشان دادند که همکاری‌های نهادی و مشارکت جامعه، اثرات منفی فجایع مرتبط با منابع را کاهش می‌دهند. وو و همکاران (۲۰۲۴) نیز نشان دادند که حکمرانی دیجیتال و سیاست‌های زیست‌محیطی، اثرات مثبت منابع طبیعی بر رشد اقتصادی را تقویت می‌کنند. در ایران، سوءمدیریت منابع طبیعی، مانند بهره‌برداری ناپایدار از نفت، توسعه پایدار را تهدید کرده است. ادیجی و همکاران (۲۰۲۵) نشان دادند که کیفیت حکمرانی، تأثیر جهانی‌سازی مالی بر رشد اقتصادی را تقویت می‌کند، که برای مدیریت منابع در ایران درس‌آموز است. کاوالریو و همکاران (۲۰۲۵) نیز بر نقش حکمرانی در بهبود شاخص‌های توسعه انسانی و زیست‌محیطی تأکید کردند. این فرضیه فرض می‌کند که مدیریت بهینه منابع طبیعی، از طریق تقویت شفافیت و هماهنگی در چارچوب حکمرانی اقتصادی، می‌تواند تأثیر آن را بر پیشرفت پایدار تقویت کند. این امر به‌ویژه در زمینه تنوع‌بخشی به اقتصاد ایران و کاهش وابستگی به نفت اهمیت دارد، زیرا مدیریت صحیح منابع می‌تواند سرمایه‌گذاری در فناوری‌های سبز و اقتصاد دانش‌بنیان را تسهیل کند.

فرضیه ۳: مدیریت منابع طبیعی به‌عنوان متغیر میانجی، رابطه مثبت بین حکمرانی اقتصادی و پیشرفت پایدار ایران را تقویت می‌کند.

در چارچوب نظری نظریه توسعه نامتوازن منطقه‌ای^۱ و با بهره‌گیری از رویکرد رگرسیون کوانتایل که ناهمگنی اثرات را در سطوح مختلف توسعه نشان می‌دهد، نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران، مانند تفاوت‌های فاحش در زیرساخت‌ها، دسترسی به منابع، ظرفیت نهادی و سطح سرمایه انسانی، می‌توانند تأثیر متغیرهای کلیدی بر پیشرفت پایدار را به طور معناداری تعدیل کنند. سونگ و همکاران (۲۰۲۴) در مطالعه‌ای جهانی نشان دادند که حکمرانی منطقه‌ای با تقویت کنترل فساد و اثربخشی دولت، بهبود اقتصادی را تسریع می‌کند؛ این یافته برای ایران، که با نابرابری‌های منطقه‌ای قابل توجه (مانند شکاف توسعه بین استان‌های مرکزی و مرزی) مواجه است، کاملاً مرتبط است. ژو و همکاران (۲۰۲۴) دریافتند که کیفیت بالای حکمرانی، به‌عنوان حکمرانی مؤثر و کارآمد در مقابل حکمرانی خنثی یا ضعیف، در مناطقی که از سطح توسعه بالاتری برخوردارند، نوآوری و آزادی اقتصادی را به طور

^۱ Unbalanced Regional Development Theory

چشمگیری تقویت می‌کند. میائو و لی (۲۰۲۵) در بررسی چین نشان دادند که ظرفیت حکمرانی دولتی می‌تواند از طریق کاهش موانع نهادی و بهبود زیرساخت‌ها، توسعه هماهنگ منطقه‌ای را تقویت نماید؛ این نتیجه، با وجود تفاوت‌های ساختاری میان چین و ایران، از منظر مفهومی درس‌آموز است و بر اهمیت سرمایه‌گذاری هدفمند در ظرفیت‌سازی نهادی در مناطق کمتر توسعه‌یافته تأکید دارد. ویسبل کاداوید و همکاران (۲۰۲۵) نیز با استفاده از تحلیل عاملی چندگانه، نقش هم‌افزایی کیفیت حکمرانی و زیرساخت‌های لجستیکی را در پیشبرد توسعه اجتماعی-اقتصادی برجسته کردند. در ایران، مناطقی با زیرساخت‌های پیشرفته‌تر (مانند تهران، اصفهان یا تبریز) از ظرفیت نهادی بالاتر، دسترسی بهتر به منابع و سطح آگاهی عمومی بیشتری برخوردارند که این عوامل می‌توانند اثربخشی حکمرانی اقتصادی و متغیرهای میانجی (خط‌مشی‌های زیست‌محیطی و مدیریت منابع طبیعی) را افزایش دهند. چن و همکاران (۲۰۲۵) در مطالعه‌ای بر چین نشان دادند که حکمرانی فراگیر، شکاف‌های اجتماعی را به ویژه در مناطق توسعه‌یافته‌تر کاهش می‌دهد؛ این یافته، با احتیاط در تعمیم به ایران، بر لزوم طراحی خط‌مشی‌های جبرانی برای مناطق محروم تأکید دارد.

بنابراین، این فرضیه مطرح می‌شود که در سطوح بالاتر توسعه منطقه‌ای (کواتایل‌های بالاتر)، تأثیر حکمرانی اقتصادی و متغیرهای میانجی بر پیشرفت پایدار به طور معناداری بیشتر است، زیرا این مناطق از زیرساخت‌های قوی‌تر، ظرفیت نهادی بالاتر و آگاهی اجتماعی بیشتری بهره‌مند هستند. این ناهمگونی بر ضرورت خط‌مشی‌گذاری هدفمند برای کاهش شکاف‌های منطقه‌ای و گسترش اثرات مثبت حکمرانی به سراسر کشور دلالت دارد.

فرضیه ۴: تأثیر حکمرانی اقتصادی و متغیرهای میانجی (خط‌مشی‌های زیست‌محیطی و مدیریت منابع طبیعی) بر پیشرفت پایدار در سطوح بالاتر توسعه منطقه‌ای (مناطق با زیرساخت‌های پیشرفته‌تر)، به طور معناداری بیشتر است.

روش شناسی تحقیق

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر حکمرانی اقتصادی بر پیشرفت پایدار ایران و تحلیل نقش میانجی‌گری سیاست‌های زیست‌محیطی و مدیریت منابع طبیعی طراحی شده است. رویکرد پژوهش کمی بوده و از ابزار پرسشنامه‌ای برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. این روش به دلیل توانایی در گردآوری داده‌های گسترده از ذی‌نفعان مختلف و امکان تحلیل روابط پیچیده بین متغیرها انتخاب شد. برای تحلیل داده‌ها، از مدل‌های پیشرفته نظیر مدل معادلات ساختاری (SEM) و رگرسیون کواتایل لحظه‌ای (MMQR) استفاده شد، که در مطالعات مشابه (چن و همکاران، ۲۰۲۵؛ وو و حسینی، ۲۰۲۵) اثربخشی خود را در بررسی روابط چندمتغیره و ناهمگونی داده‌ها نشان داده‌اند. این

روش‌ها امکان تحلیل دقیق تأثیرات مستقیم و میانجی را فراهم می‌کنند و برای داده‌های مقطعی با ویژگی‌های ناهمگن مناسب هستند (سونگ و همکاران، ۲۰۲۴).

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش را **کارشناسان خبره** در حوزه‌های حکمرانی اقتصادی، خطامشی‌گذاری زیست‌محیطی و مدیریت منابع طبیعی در ایران تشکیل می‌دهند که دارای دانش تخصصی عمیق و تجربه حرفه‌ای مرتبط هستند. این گروه شامل مدیران ارشد و متخصصان شاغل در وزارتخانه‌های اقتصاد و دارایی، نفت، سازمان حفاظت محیط‌زیست، دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی سیاست‌گذاری و اندیشکده‌های مرتبط می‌شود که به دلیل جایگاه شغلی و سابقه فعالیت، قادر به ارائه قضاوت‌های آگاهانه و مبتنی بر دانش در خصوص متغیرهای پژوهش (حکمرانی اقتصادی، خطامشی‌های زیست‌محیطی، مدیریت منابع طبیعی و پیشرفت پایدار) هستند.

روش نمونه‌گیری هدفمند (قضاوتی) بوده است، زیرا هدف پژوهش دستیابی به پاسخ‌دهندگانی با حداکثر دانش و تخصص در موضوع مورد مطالعه است (ویسبل کاداوید و همکاران، ۲۰۲۵). در این رویکرد، خبرگان به عنوان منبع اصلی تولید اطلاعات تخصصی انتخاب می‌شوند و برخلاف افراد عادی که تجربه زیسته ارائه می‌دهند، این گروه با تکیه بر دانش حرفه‌ای و دسترسی به اطلاعات سیستمی، قضاوت‌های معتبر و قابل تعمیم به سطح کلان سیاست‌گذاری ارائه می‌کنند. بنابراین، جامعه آماری پژوهش به طور دقیق و همگن، محدود به این خبرگان تخصصی است و مطالعه بر روی ادراک و قضاوت‌های حرفه‌ای آن‌ها متمرکز می‌باشد.

تعداد ۳۰۰ پرسشنامه میان خبرگان منتخب توزیع گردید و ۲۴۱ پرسشنامه به طور کامل و قابل استفاده جمع‌آوری شد که نرخ پاسخ‌دهی ۸۰٫۳ درصدی را نشان می‌دهد. این نرخ بالای پاسخ‌دهی، بیانگر علاقه‌مندی و مشارکت قوی خبرگان جامعه آماری و در نتیجه، اعتبار و قابلیت اتکای داده‌های گردآوری شده است.

ابزار جمع‌آوری داده‌ها

ابزار اصلی پژوهش، پرسشنامه‌ای ساختاریافته است که بر اساس شاخص‌های جهانی حکمرانی (WGI)، شاخص عملکرد زیست‌محیطی (EPI)، و شاخص توسعه انسانی (HDI) طراحی شده است (کاوالریو و همکاران، ۲۰۲۵). پرسشنامه شامل چهار بخش اصلی است: حکمرانی اقتصادی؛ شامل سؤالاتی درباره شفافیت، پاسخگویی، حاکمیت قانون، و کیفیت تنظیم‌گری، با الهام از شاخص‌های WGI، سیاست‌های زیست‌محیطی؛ شامل سؤالاتی درباره کاهش انتشار کربن، مدیریت منابع آب، و

انتقال به انرژی‌های تجدیدپذیر، با تأکید بر چالش‌های زیست‌محیطی ایران، مدیریت منابع طبیعی: شامل سؤالاتی درباره مدیریت منابع نفت و گاز و تأثیر آن‌ها بر اقتصاد و پیشرفت پایدار و پیشرفت پایدار: شامل شاخص‌هایی نظیر رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، و حفاظت از محیط‌زیست، هم‌راستا با اهداف توسعه پایدار (SDGs). سؤالات بر اساس مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (۱ = کاملاً مخالف، ۵ = کاملاً موافق) طراحی شدند. روایی محتوایی و محتوایی پرسشنامه توسط پانلی متشکل از ۱۲ متخصص در حوزه‌های حکمرانی، اقتصاد، و محیط‌زیست تأیید شد. پایایی ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقدار ۰,۹۱ را نشان داد، بیانگر پایایی بسیار بالای پرسشنامه و دقت آن در اندازه‌گیری متغیرهای مورد نظر.

برای تحلیل داده‌ها، از دو روش اصلی استفاده شد: مدل معادلات ساختاری (SEM) برای بررسی روابط ساختاری بین متغیرها و رگرسیون کوانتایل لحظه‌ای (MMQR) برای تحلیل اثرات میانجی در کوانتایل‌های مختلف. این روش‌ها به دلیل توانایی در مدیریت ناهمگونی داده‌ها و وابستگی‌های مقطعی، در مطالعات مشابه (فاروق و همکاران، ۲۰۲۵؛ ژو و همکاران، ۲۰۲۴) مناسب شناخته شده‌اند. نرم‌افزارهای AMOS 27 برای تحلیل SEM و STATA 18 برای تحلیل MMQR استفاده شدند. برای اطمینان از نرمال بودن داده‌ها، آزمون کلموگروف-اسمیرنوف انجام شد که توزیع نرمال داده‌ها را تأیید کرد ($p < 0,05$). همچنین، شاخص VIF برای بررسی هم‌خطی بین متغیرها محاسبه شد که مقادیر کمتر از ۴ را که بیانگر نبود هم‌خطی معنادار است را نشان داد.

متغیرها

متغیر مستقل: حکمرانی اقتصادی (شامل شاخص‌های شفافیت، پاسخگویی، حاکمیت قانون، و کیفیت تنظیم‌گری).

متغیر وابسته: پیشرفت پایدار (شامل رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی، و عملکرد زیست‌محیطی).

متغیرهای میانجی: سیاست‌های زیست‌محیطی (مانند کاهش انتشار کربن و مدیریت آب) و مدیریت منابع طبیعی (نفت و گاز).

مدل پژوهش بر اساس ادبیات موجود (وو و همکاران، ۲۰۲۴؛ اتیوم و موتومبا، ۲۰۲۵) طراحی شده است. این مدل فرض می‌کند که حکمرانی اقتصادی به‌طور مستقیم بر پیشرفت پایدار اثر دارد و سیاست‌های زیست‌محیطی و مدیریت منابع طبیعی این رابطه را میانجی‌گری می‌کنند. معادلات زیر مدل را نشان می‌دهند:

$$SD = \beta_0 + \beta_1 EG + \beta_2 CV + \epsilon$$

$$SD = \beta_0 + \beta_1 EG + \beta_2 EP + \beta_3 (EG \times EP) + \beta_4 CV + \epsilon$$

$$SD = \beta_0 + \beta_1 EG + \beta_2 NR + \beta_3 (EG \times NR) + \beta_4 CV + \epsilon$$

متغیر ED نشان‌دهنده پیشرفت پایدار، EG حکمرانی اقتصادی، EP سیاست‌های زیست‌محیطی، NR مدیریت منابع طبیعی، CV متغیرهای کنترلی و e نشان‌دهنده خطا است.

نتایج آماری

بررسی نرمال بودن داده‌ها و هم‌خطی

قبل از اجرای تحلیل‌های اصلی، نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف بررسی شد. نتایج نشان داد که داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار هستند. ($p > 0.05$) همچنین، برای بررسی هم‌خطی بین متغیرها، شاخص واریانس تورم (VIF) محاسبه شد. مقادیر VIF برای تمامی متغیرها کمتر از ۴ بود، که نشان‌دهنده نبود هم‌خطی معنادار بین متغیرها است.

تحلیل توصیفی

جدول ۱ خلاصه آمار توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش را نشان می‌دهد. این متغیرها شامل متغیر ED نشان‌دهنده پیشرفت پایدار، EG حکمرانی اقتصادی، EP سیاست‌های زیست‌محیطی و NR مدیریت منابع طبیعی است.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرها

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	چولگی	کشیدگی
حکمرانی اقتصادی (EG)	3.45	0.72	2.10	4.85	-0.14	2.89
سیاست‌های زیست‌محیطی (EP)	3.28	0.65	1.95	4.70	-0.09	2.94
مدیریت منابع طبیعی (NR)	3.12	0.68	1.80	4.65	-0.11	2.92
پیشرفت پایدار (SD)	3.56	0.70	2.05	4.90	-0.16	2.87

میانگین‌های به‌دست‌آمده نشان‌دهنده ارزیابی نسبتاً متوسط خبرگان از وضعیت متغیرها در ایران است. بالاترین میانگین مربوط به پیشرفت پایدار (۳.۵۶) و حکمرانی اقتصادی (۳.۴۵) است که بیانگر قضاوت مثبت نسبی خبرگان در این حوزه‌ها می‌باشد، در حالی که پایین‌ترین میانگین برای مدیریت منابع طبیعی (۳.۱۲) مشاهده می‌شود که می‌تواند حاکی از نگرانی‌های جدی در خصوص کارایی فعلی مدیریت منابع (به‌ویژه نفت و گاز) باشد.

انحراف معیار پایین (بین ۰.۶۵ تا ۰.۷۲) دلالت بر پراکندگی محدود پاسخ‌ها و همگنی نسبی قضاوت‌های خبرگان دارد؛ این امر اعتبار داده‌ها را تقویت می‌کند، زیرا خبرگان منتخب دیدگاه‌های مشابهی در ارزیابی وضعیت موجود ارائه داده‌اند. مقادیر چولگی نزدیک به صفر (بین -۰.۱۶ تا -۰.۰۹) و کشیدگی نزدیک به ۳ (بین ۲.۸۷ تا ۲.۹۴) تأییدکننده توزیع تقریباً نرمال داده‌ها هستند که پیش‌نیاز مناسبی برای تحلیل‌های پارامتریک بعدی مانند SEM و MMQR فراهم می‌آورد. به‌طور کلی، این

آمار توصیفی تصویر روشنی از ادراک خبرگان ارائه می‌دهد: در حالی که حکمرانی اقتصادی و پیشرفت پایدار از ارزیابی بهتری برخوردارند، خط‌مشی‌های زیست‌محیطی و به‌ویژه مدیریت منابع طبیعی نیاز به بهبود جدی دارند، که این یافته با چالش‌های شناخته‌شده ایران (وابستگی به نفت، مسائل زیست‌محیطی و ناکارآمدی نهادی) همخوانی دارد و پایه‌ای محکم برای تحلیل‌های ساختاری بعدی ایجاد می‌کند.

تحلیل مدل معادلات ساختاری (SEM)

مدل معادلات ساختاری برای بررسی روابط مستقیم و میانجی بین متغیرها استفاده شد. شاخص‌های برازش مدل در جدول ۲ ارائه شده‌اند.

جدول ۲: شاخص‌های برازش مدل SEM

شاخص برازش	مقدار	مقدار آستانه قابل قبول
نسبت کای دو (χ^2/df)	2.14	کمتر از ۳
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	0.93	بیشتر از ۰,۹۰
شاخص برازش نرم‌شده (NFI)	0.91	بیشتر از ۰,۹۰
شاخص ریشه میانگین مربعات خطا (RMSEA)	0.06	کمتر از ۰,۰۸
شاخص استاندارد شده ریشه میانگین مربعات (SRMR)	0.05	کمتر از ۰,۰۸

شاخص‌های برازش نشان‌دهنده برازش مناسب مدل با داده‌ها هستند. مقدار χ^2/df کمتر از ۳، مقادیر CFI و NFI بالاتر از ۰,۹۰، و مقادیر RMSEA و SRMR کمتر از ۰,۰۸ نشان‌دهنده برازش خوب مدل هستند. این نتایج تأیید می‌کنند که مدل پیشنهادی از اعتبار و قابلیت تعمیم برخوردار است. نتایج تحلیل مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم در جدول ۳ ارائه شده‌اند.

جدول ۳: نتایج تحلیل مسیرهای SEM

مسیر	ضریب مسیر (β)	خطای استاندارد (SE)	مقدار t	p-value	نتیجه
رابطه مستقیم					
EG → SD	0.42	0.06	7.00	<0.001	معنادار
رابطه غیرمستقیم (میانجی)					
EG → EP → SD	0.18	0.04	4.50	<0.001	معنادار
EG → NR → SD	0.15	0.03	5.00	<0.001	معنادار

رابطه مستقیم: ضریب مسیر حکمرانی اقتصادی (EG) به پیشرفت پایدار (SD) برابر با ۰,۴۲ و معنادار ($p < 0.001$) است، که نشان‌دهنده تأثیر مثبت و قوی حکمرانی اقتصادی بر پیشرفت پایدار است. این نتیجه فرضیه ۱ را تأیید می‌کند.

رابطه غیرمستقیم (میانجی): سیاست‌های زیست‌محیطی (EP) و مدیریت منابع طبیعی (NR) به عنوان متغیرهای میانجی، تأثیر غیرمستقیمی بر رابطه بین حکمرانی اقتصادی و پیشرفت پایدار دارند. ضریب مسیر غیر مستقیم برای EP برابر با ۰,۱۸ و برای NR برابر با ۰,۱۵ است، که هر دو معنادار هستند ($p < 0.001$) این نتایج فرضیات ۲ و ۳ را تأیید می‌کنند.

تحلیل رگرسیون کوانتایل لحظه‌ای (MMQR)

برای بررسی تأثیر متغیرها در مناطق با سطوح توسعه متفاوت، از روش رگرسیون کوانتایل لحظه‌ای (MMQR) استفاده شد. این روش امکان تحلیل اثرات متغیرها در کوانتایل‌های مختلف (۰,۲۵، ۰,۵۰، ۰,۷۵) را فراهم می‌کند. نتایج در جدول ۴ ارائه شده‌اند.

جدول ۴: نتایج رگرسیون کوانتایل لحظه‌ای (MMQR)

متغیر	کوانتایل ۰,۲۵	کوانتایل ۰,۵۰	کوانتایل ۰,۷۵
حکمرانی اقتصادی (EG)			
ضریب (β)	0.35	0.42	0.49
p-value	<0.001	<0.001	<0.001
سیاست‌های زیست‌محیطی (EP)			
ضریب (β)	0.12	0.18	0.24
p-value	0.012	<0.001	<0.001
مدیریت منابع طبیعی (NR)			
ضریب (β)	0.10	0.15	0.20
p-value	0.018	<0.001	<0.001

حکمرانی اقتصادی: تأثیر حکمرانی اقتصادی بر پیشرفت پایدار در کوانتایل‌های بالاتر (مناطق توسعه‌یافته‌تر) قوی‌تر است. ضریب β از ۰,۳۵ در کوانتایل ۰,۲۵ به ۰,۴۹ در کوانتایل ۰,۷۵ افزایش می‌یابد، که نشان‌دهنده تأثیر قوی‌تر در مناطق با زیرساخت‌های بهتر است.

سیاست‌های زیست‌محیطی: تأثیر سیاست‌های زیست‌محیطی نیز در کوانتایل‌های بالاتر افزایش می‌یابد (از ۰,۱۲ به ۰,۲۴). این نشان می‌دهد که سیاست‌های زیست‌محیطی در مناطق توسعه‌یافته‌تر نقش قوی‌تری در تقویت پیشرفت پایدار دارند.

مدیریت منابع طبیعی: مشابه با سیاست‌های زیست‌محیطی، تأثیر مدیریت منابع طبیعی در کوانتایل‌های بالاتر (از ۰,۱۰ به ۰,۲۰) افزایش می‌یابد، که نشان‌دهنده اهمیت مدیریت منابع در مناطق پیشرفته‌تر است.

این نتایج فرضیه ۴ را تأیید می‌کنند، که بیان می‌کند تأثیر حکمرانی اقتصادی و متغیرهای میانجی در مناطق با زیرساخت‌های بهتر قوی‌تر است.

تحلیل میانجی‌گری

برای بررسی دقیق‌تر نقش میانجی‌گری، از روش بوت‌استرپ (۵۰۰۰ نمونه) در SEM استفاده شد. نتایج در جدول ۵ ارائه شده‌اند.

جدول ۵: تحلیل میانجی‌گری با روش بوت‌استرپ

مسیر میانجی	ضریب غیرمستقیم (β)	فاصله اطمینان ۹۵٪	p-value	نتیجه
EG → EP → SD	0.18	[0.12, 0.24]	<0.001	معنادار
EG → NR → SD	0.15	[0.10, 0.20]	<0.001	معنادار

نتایج بوت‌استرپ تأیید می‌کنند که سیاست‌های زیست‌محیطی و مدیریت منابع طبیعی به‌عنوان متغیرهای میانجی، رابطه بین حکمرانی اقتصادی و پیشرفت پایدار را تقویت می‌کنند. فاصله اطمینان ۹۵٪ شامل صفر نمی‌شود، که نشان‌دهنده معناداری اثر میانجی است.

نتایج تحلیل‌ها نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار حکمرانی اقتصادی بر پیشرفت پایدار ایران است (فرضیه ۱). سیاست‌های زیست‌محیطی و مدیریت منابع طبیعی به‌عنوان متغیرهای میانجی، این رابطه را تقویت می‌کنند (فرضیات ۲ و ۳). همچنین، تأثیر این متغیرها در مناطق با سطوح توسعه بالاتر (مانند شهرهای بزرگ‌تر با زیرساخت‌های بهتر) قوی‌تر است (فرضیه ۴). این یافته‌ها با مطالعات قبلی مانند کوالریو و همکاران (۲۰۲۵)، فاروق و همکاران (۲۰۲۵)، و وو و همکاران (۲۰۲۴) همخوانی دارند، که بر اهمیت یکپارچگی سیاست‌های زیست‌محیطی و مدیریت منابع در چارچوب حکمرانی اقتصادی تأکید کرده‌اند.

پیشنهاد‌های سیاستی

بر اساس نتایج تجربی پژوهش که نشان‌دهنده تأثیر مستقیم معنادار حکمرانی اقتصادی (ضریب ۰,۴۲)، نقش میانجی خط‌مشی‌های زیست‌محیطی (۰,۱۸) و مدیریت منابع طبیعی (۰,۱۵)، و ناهمگونی منطقه‌ای اثرات (افزایش ضرایب در کوانتایل‌های بالاتر) است، پیشنهاد‌های سیاستی زیر ارائه می‌شود. تقویت مؤلفه‌های با بار عاملی بالای حکمرانی اقتصادی: تمرکز اولویت‌دار بر شاخص‌هایی مانند شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری، حاکمیت قانون، پاسخگویی نهادها و کنترل فساد ضروری است. نتایج SEM نشان می‌دهد که این مؤلفه‌ها مسیر مستقیم قوی‌تری به پیشرفت پایدار ایجاد می‌کنند؛ بنابراین، اصلاحات نهادی هدفمند مانند تقویت مکانیسم‌های نظارت مستقل، الزامی‌سازی گزارش‌دهی

شفاف در بودجه عمومی و اصلاح قوانین ضدفساد می‌تواند اثربخشی حکمرانی را به طور قابل ملاحظه‌ای ارتقا دهد.

ادغام خطمشی‌های زیست‌محیطی با بار عاملی بالا در چارچوب حکمرانی: اجرای سخت‌گیرانه‌تر شاخص‌هایی نظیر کاهش انتشار کربن، مدیریت پایدار منابع آب و انتقال به انرژی‌های تجدیدپذیر باید در اولویت قرار گیرد. تحلیل میانجی‌گری تأیید می‌کند که تقویت این خطمشی‌ها رابطه حکمرانی اقتصادی با پیشرفت پایدار را تقویت می‌نماید؛ از این رو، هماهنگی الزامی این خطمشی‌ها با برنامه‌های توسعه پنج‌ساله، همراه با تخصیص بودجه مشخص و مکانیسم‌های نظارت مستقل، ضروری است.

بهبود مدیریت منابع طبیعی با تمرکز بر شاخص‌های کلیدی: شفافیت کامل در قراردادهای نفت و گاز و سرمایه‌گذاری هدفمند در فناوری‌های سبز، به عنوان شاخص‌های با تأثیر بالا در مدل، می‌تواند وابستگی به نفت را کاهش داده و پدیده نفرین منابع را معکوس کند. نتایج نشان می‌دهد که مدیریت منابع طبیعی به عنوان میانجی، بخشی از اثر حکمرانی اقتصادی را منتقل می‌کند؛ بنابراین، الزامی‌سازی انتشار عمومی قراردادها، ایجاد صندوق ذخیره نسل‌های آینده و هدایت درآمدهای نفتی به سمت تنوع‌بخشی اقتصادی، راهکارهای عملی مبتنی بر شواهد هستند.

کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای بر اساس ناهمگونی اثرات: تحلیل MMQR به وضوح نشان می‌دهد که اثرات حکمرانی اقتصادی و متغیرهای میانجی در کوانتایل‌های بالاتر (مناطق توسعه‌یافته‌تر) به طور معناداری قوی‌تر است. از این رو، تخصیص هدفمند منابع به زیرساخت‌های مناطق کمتر توسعه‌یافته، تقویت ظرفیت حکمرانی محلی از طریق آموزش و انتقال اختیارات، و طراحی خطمشی‌های جبرانی برای گسترش اثرات مثبت به سراسر کشور ضروری است تا ناهمگونی مشاهده‌شده کاهش یابد و پیشرفت پایدار فراگیر شود.

نتیجه‌گیری

این پژوهش، با تکیه بر داده‌های ارزشمند جمع‌آوری‌شده از ۲۴۱ کارشناس برجسته در حوزه‌های اقتصاد، محیط‌زیست و منابع طبیعی، و بهره‌گیری از روش‌های تحلیلی مدل معادلات ساختاری (SEM) و رگرسیون کوانتایل لحظه‌ای (MMQR)، شواهد قانع‌کننده و محکمی ارائه می‌دهد که حکمرانی اقتصادی تأثیر مستقیم، مثبت و معناداری بر پیشرفت پایدار در ایران دارد. این تأثیر، با ضریب مسیر مستقیم ۰,۴۲ و سطح معناداری کمتر از ۰,۰۰۱، عمدتاً از طریق مؤلفه‌های کلیدی مانند شفافیت در فرآیندهای تصمیم‌گیری، پاسخگویی نهادهای دولتی، حاکمیت قانون و کنترل مؤثر فساد شکل می‌گیرد. این عناصر نه تنها رشد اقتصادی بلندمدت را تقویت می‌کنند، بلکه حفاظت از محیط‌زیست و ارتقای عدالت اجتماعی را نیز به عنوان ارکان اصلی توسعه پایدار، همزمان پیش می‌برند. علاوه بر این،

نتایج به وضوح نشان می‌دهند که سیاست‌های زیست‌محیطی با اثر میانجی ۰,۱۸ و مدیریت منابع طبیعی با اثر میانجی ۰,۱۵، نقش میانجی قدرتمندی ایفا می‌کنند و رابطه بین حکمرانی اقتصادی و پیشرفت پایدار را به طور قابل توجهی تقویت می‌نمایند؛ این میانجی‌گری با استفاده از روش بوت‌استرپ و فاصله اطمینان ۹۵ درصد به طور کامل تأیید شده است. تحلیل رگرسیون کوانتایل لحظه‌ای نیز ناهمگونی منطقه‌ای را به زیبایی برجسته می‌کند: تأثیر حکمرانی اقتصادی از ۰,۳۵ در کوانتایل‌های پایین (مناطق کمتر توسعه‌یافته) به ۰,۴۹ در کوانتایل‌های بالا (مناطق پیشرفته‌تر) افزایش می‌یابد، در حالی که سیاست‌های زیست‌محیطی از ۰,۱۲ به ۰,۲۴ و مدیریت منابع طبیعی از ۰,۱۰ به ۰,۲۰ صعود می‌کند. این الگو تأکید دارد که در مناطق با زیرساخت‌های قوی‌تر و ظرفیت نهادی بالاتر، اثربخشی این متغیرها به مراتب بیشتر است، که خود چالش‌های عمیق ایران همچون وابستگی به درآمدهای نفتی و گازی، بحران‌های زیست‌محیطی شدید مانند آلودگی گسترده هوا و کمبود حاد آب، و نابرابری‌های منطقه‌ای فاحش را آشکار می‌سازد. بدون ادغام هوشمندانه سیاست‌های زیست‌محیطی و مدیریت پایدار منابع طبیعی در چارچوب حکمرانی اقتصادی، دستیابی به پیشرفت پایدار نه تنها کند، بلکه با موانع ساختاری غیر قابل عبور مواجه خواهد شد.

این یافته‌ها نه تنها در زمینه بومی ایران نوآورانه و کاربردی هستند، بلکه با تحقیقات بین‌المللی همخوانی دارند و از اعتبار برخوردار هستند. برای نمونه، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که حکمرانی عمومی از طریق بهبود همزمان شاخص‌های توسعه انسانی و عملکرد زیست‌محیطی، مسیر پایداری را هموار می‌کند. همچنین، تأکید شده که شوراها مالی می‌توانند نوسانات اقتصادی را کاهش داده و رشد بلندمدت را حمایت کنند، در حالی که حکمرانی اقتصادی بهره‌وری کل عوامل را افزایش می‌دهد. بهبود حکمرانی در کاهش شکاف‌های اجتماعی و ارتقای سلامت گروه‌های کم‌درآمد مؤثر است، و برنامه‌ریزی اقتصادی بدون سیاست‌های زیست‌محیطی قوی ممکن است به افزایش مصرف منابع منجر شود. کیفیت حکمرانی قادر است اثر منفی منابع طبیعی معروف به نفرین منابع را به فرصت‌های توسعه‌ای تبدیل کند، و سیاست‌های زیست‌محیطی قوی انتقال به انرژی‌های تجدیدپذیر را تسریع می‌نمایند. ظرفیت حکمرانی توسعه هماهنگ منطقه‌ای را تقویت می‌کند، همکاری نهادی و مشارکت اجتماعی بازسازی اقتصادی پس از فجایع را سرعت می‌بخشد، و کیفیت حکمرانی همراه با زیرساخت‌های لجستیکی، توسعه اجتماعی-اقتصادی را پیش می‌برد. حکمرانی همچنین تأثیر جهانی‌سازی مالی بر رشد را تعدیل مثبت می‌کند، حکمرانی زیست‌محیطی انتقال به انرژی‌های پاک را تسهیل می‌نماید، و حکمرانی خوب نوآوری را از طریق آزادی اقتصادی ارتقا می‌دهد. نقش حکمرانی در تقویت تأثیر باز بودن تجارت بر رشد تأیید شده، حکمرانی منطقه‌ای میانجی بهبود پس از بحران‌ها است، و حکمرانی دیجیتال همراه با سیاست‌های سخت‌گیرانه زیست‌محیطی، رشد را در کشورهای

غنی از منابع تقویت می‌کند. در نهایت، برابری جنسیتی در حکمرانی و آموزش نیز برای رشد اقتصادی حیاتی است.

از دیدگاه سیاست‌گذاری، اولویت مطلق باید به تقویت شاخص‌های با بار عاملی بالا اختصاص یابد، از جمله شفافیت در فرآیندها، حاکمیت قانون، پاسخگویی نهادها، کنترل فساد، کاهش انتشار کربن، مدیریت پایدار منابع آب، انتقال سریع به انرژی‌های تجدیدپذیر، و شفافیت کامل در قراردادهای نفتی و گازی. ادغام این شاخص‌ها در برنامه‌های توسعه پنج‌ساله، همراه با سرمایه‌گذاری هدفمند و گسترده در فناوری‌های سبز، می‌تواند وابستگی به نفت را به طور اساسی کاهش دهد و اقتصاد را به سمت پایداری واقعی هدایت کند. برای مقابله با نابرابری‌های منطقه‌ای، تخصیص عادلانه‌تر منابع به زیرساخت‌های مناطق کمتر توسعه‌یافته و تقویت ظرفیت‌های نهادی محلی ضروری است، در حالی که مشارکت فعال جامعه مدنی، بخش خصوصی و نهادهای دولتی به عنوان اهرمی عملی برای اجرای موفق سیاست‌های زیست‌محیطی و مدیریت منابع عمل خواهد کرد.

با وجود قدرت تحلیلی و شواهد، محدودیت‌هایی مانند اتکا به داده‌های مقطعی که دینامیک‌های بلندمدت را به طور کامل پوشش نمی‌دهد، تمرکز جغرافیایی بر ایران که تعمیم‌پذیری را محدود می‌کند، و احتمال سوگیری در پاسخ‌های پرسشنامه‌ای وجود دارد. محققان آینده می‌توانند برای اعتبارسنجی بیشتر، به سراغ داده‌های سری زمانی، مطالعات تطبیقی با کشورهای مشابه غنی از منابع، یا رویکردهای ترکیبی کمی-کیفی مانند مصاحبه‌های عمیق بروند و متغیرهای نوظهوری همچون حکمرانی دیجیتال یا ریسک‌های ژئوپلیتیکی را کاوش کنند.

این پژوهش با ارائه شواهد بومی، جامع و عملی، بر ضرورت یکپارچگی عمیق حکمرانی اقتصادی با سیاست‌های زیست‌محیطی و مدیریت منابع طبیعی تأکید دارد و راهنمایی روشن برای سیاست‌گذاران ارائه می‌دهد تا از طریق اصلاحات نهادی هدفمند و جسورانه، چالش‌های ساختاری را پشت سر گذاشته و مسیر پیشرفت پایدار را هموار سازند. این رویکرد نه تنها مسائل خاص کشور مانند وابستگی به نفت و نابرابری‌ها را حل می‌کند، بلکه به تحقق اهداف توسعه پایدار جهانی کمک شایانی خواهد کرد.

منابع فارسی:

- ۱- سلیمانی، جمال و جهانی، زینب، ۱۴۰۳، چارچوب پویایی سیستم برای بازارهای مالی؛ ادغام هوش مصنوعی و بهینه سازی سیاست برای تقویت حکمرانی اقتصادی، پنجمین کنفرانس بین‌المللی پویایی شناسی و تفکر سیستمی، تهران، <https://civilica.com/doc/2413664>
- ۲- فهیمی کهق، زینب و ابراهیم پور، حبیب و فتوره چی، زهرا و زارعی، قاسم، ۱۳۹۷، بررسی تاثیر حکمرانی خوب بر عملکرد زیست محیطی، ششمین کنفرانس ملی تازه یافته‌ها در مدیریت و مهندسی صنایع با تاکید بر کارآفرینی در صنایع، تهران، <https://civilica.com/doc/867552>
- ۳- ملکی سورکی، احمد و السادات زاهدی، شمس و منتظری، محمد، ۱۴۰۴، چارچوب راهبردی بهبود حکمرانی اقتصادی در صنایع دریایی، <https://civilica.com/doc/2440092>
- ۴- یوسفی، محمد حسین و خادم فسقندیس، فرحناز و منادی، عارف، ۱۴۰۴، برندسازی شهری و توسعه اقتصادی خلاق با رویکرد حکمرانی مشارکتی در افق گام دوم انقلاب، چهارمین کنفرانس بین‌المللی معماری، عمران، شهرسازی، محیط زیست و افق‌های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، <https://civilica.com/doc/2429399>

References:

1. Adjei, A. A. F., Gatsi, J. G., Appiah, M. O., Abeka, M. J., & Owusu Junior, P. (2025). Financial globalization and economic growth in Sub-Saharan Africa: The moderating role of governance. *Development and Sustainability in Economics and Finance*, 6, 100045. <https://doi.org/10.1016/j.dsef.2025.100045>
2. Alnafrah, I., & Bogatov, A. (2025). Comparative fiscal governance policy: Evaluating the causal impact of fiscal councils on economic performance. *Economic Systems*, 49(3), 101307. <https://doi.org/10.1016/j.ecosys.2025.101307>
3. Cavalheiro, E. A., Oliveira, I. R., Leandro, D., & Kontz, L. B. (2025). Governance, development, and environment: Pathways to a sustainable future. *Sustainable Futures*, 10, 100813. <https://doi.org/10.1016/j.sftr.2025.100813>
4. Chen, Y., Liu, Y., Wang, N., Su, X., Lu, Y., & Gao, Y. (2025). Health gap closing function of a green behavioral activity system from the perspective of economic and social capital: A case study of sports governance and operation systems. *Evaluation and Program Planning*, 111, 102580. <https://doi.org/10.1016/j.evalprogplan.2025.102580>
5. Ding, R., Dai, J., Zhang, Y., Tan, T., & Chou, L.-C. (2025). Dynamics in green governance in China: Exploring the relationship between carbon emissions, water consumption and economic planning. *Desalination and Water Treatment*, 322, 101120. <https://doi.org/10.1016/j.dwt.2025.101120>
6. Farooq, U., Tabash, M. I., & Al-Faryan, M. A. S. (2025). Natural resources and economic growth in Asia: The moderating role of governance. *Transnational Corporations Review*. <https://doi.org/10.1016/j.tncr.2025.200143>

7. Li, C., Sampene, A. K., Wiredu, J., & Nsiah, T. K. (2025). Economic policy uncertainty and renewable energy transition: Assessing the impact of resource richness, environmental technology, and environmental governance. *Renewable Energy*, 244, 122670. <https://doi.org/10.1016/j.renene.2025.122670>
8. Miao, S., & Li, S. (2025). Urban-rural population mobility, government governance and regional coordinated development. *International Review of Economics & Finance*, 101, 104229. <https://doi.org/10.1016/j.iref.2025.104229>
9. Mubiinzi, G., & Mutumba, G. S. (2025). Economic growth through gender parity: Evidence from education, labour, and governance in Uganda. *Social Sciences & Humanities Open*, 11, 101519. <https://doi.org/10.1016/j.ssaho.2025.101519>
10. Onafowora, O. A., & Owoye, O. (2024). Trade openness, governance quality, and economic growth in Latin America and the Caribbean. *International Economics*, 179, 100527. <https://doi.org/10.1016/j.inteco.2024.100527>
11. Otim, J., & Mutumba, G. S. (2025). Carbon emissions, economic governance and economic growth. *Next Research*, 2(2), 100200. <https://doi.org/10.1016/j.nexres.2025.100200>
12. Ruiz, R., Ribeiro, R., Cantelmo, W., & Lopes, A. (2025). How institutional governance shaped the economic recovery after mining disasters in Brazil: The cases of Mariana and Brumadinho. *Cities*, 161, 105906. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2025.105906>
13. Visbal-Cadavid, D., Delahoz-Domínguez, E., & Mendoza-Mendoza, A. (2025). A multiple factor analysis and hierarchical clustering of global logistics governance and development. *Decision Analytics Journal*, 15, 100579. <https://doi.org/10.1016/j.dajour.2025.100579>
14. Wu, L., & Hussain, S. (2025). Navigating the energy transition: Interplay of geopolitics, economic complexity, and environmental governance in OECD countries. *Energy Strategy Reviews*, 57, 101624. <https://doi.org/10.1016/j.esr.2024.101624>
15. Wu, W., Zhao, Z., Yu, S., & Zhang, M. (2024). Do E-governance, mineral resources, and policy stringency facilitate economic growth in selected resource-rich countries. *Resources Policy*, 93, 105048. <https://doi.org/10.1016/j.resourpol.2024.105048>
16. Zhu, B., Yang, M., & Chu, X. (2024). Good governance and innovation: Economic freedom matters. *Technological Forecasting and Social Change*, 205, 123527. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2024.123527>